

• سیدمصطفی مطبوعی اصفهانی

مرفی کتاب

جنبش اصلاح دینی علمای جبل عامل



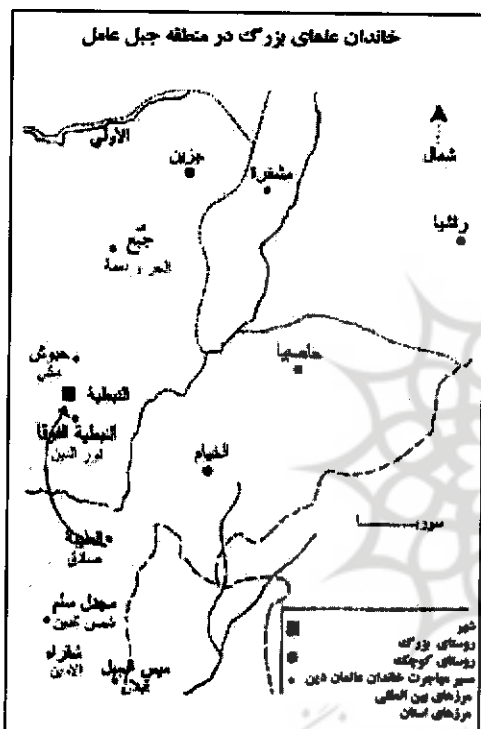
خانم سابرینا میرفان خاورشناس فرانسوی است که ثمره چند سال (۱۹۹۲-۱۹۹۶) اقامت و پژوهش خود در منطقه شامات (سوریه و لبنان) را به صورت این کتاب به جامعه علمی ارائه کرده است. این اثر در سال ۲۰۰۰ میلادی در فرانسه به چاپ رسیده و سه سال بعد به عربی ترجمه و در بیروت منتشر شده است. این پژوهش در واقع رساله دکتری مؤلف بوده و وی در حال حاضر مشغول نوشتن طرح رساله فوق دکتری خود است که به جنبش اصلاح طلبی در میان عالمان دین در ایران و عراق در دوره معینی اختصاص دارد.

این اثر در نه فصل فراهم آمده است. در فصل نخست ویژگی‌های تاریخی و جغرافیایی منطقه جبل عامل یا به تعبیر گویاتر «جبل العلماء» برشمرده شده و چگونگی راه یافتن تشیع به این سرزمین تشریح شده و به سلسله عالمان بزرگ و خاندان‌های علم‌پرور و دانش دوست که ضامن استمرار سنت و سلوک شیعی در این ناحیه بوده‌اند، اشاره شده است.

در فصل دوم موقعیت اقتصادی این منطقه و طبقات اجتماعی و همچنین طوائف گوناگونی که در آن به سر برده و می‌برند بررسی شده است. آثار اجتماعی و اقتصادی اصلاحات عصر عثمانی بر زندگانی مردمان این خطه و نقش شیوخ و رؤسای عشایر و طوائف مختلف نیز مورد بحث واقع شده است. مقام و مکانت علما و مناسبات جامعه علمی شیعه با مردم از یک سو و زعمای حکام از سوی دیگر و همچنین مذاقه‌ای در برخی شعائر و آیین‌های رایج میان مردمان جبل عامل، مطالب فرجامین این فصل را به خود اختصاص داده است.

سپس در سومین فصل با عنوان «ما العالم؟» (عالم کیست؟) علما (روحانیون)، روحانیت و خصایص و ویژگی‌های صنفی طبقاتی آن، روابط روحانیت با عوام، اهتمام به شعر و ادب در میان این طبقه، خاندان‌های بزرگ علمی، روابط سببی و نسبی میان علما، میانی نظری اهتمام به علم و بزرگداشت عالمان، مراتب و درجات مختلف سیر زندگانی علمی و سلوک عالمانه روحانیت در منطقه و سپس در نجف و مناسبات این طبقه با موضوع قضا و قضاوت، شرح پاره‌ای از وظایف عالمان دین جامعه مانند اقامه عدل، حمایت

■ حركة الاصلاح الدینی علماء جبل عامل و ادباؤه من نهاية الدولة العثمانية الى بداية استقلال لبنان
■ صابرینا [سابرینا] میرفان
■ مترجم: هیشم الامین
■ بیروت، دارالنهار، ۲۰۰۳، ۶۵۸ ص



فصل ششم، «محرابۃ البدع و اصلاح شعائر عاشورا»، بحث مفصلی است در زمینه آیین و شعائر عاشورا و تأثیر جنبش اصلاح طلبی در آن. نویسنده ابتدا دیدگاه عالمان دین خطه جبل عامل را درباره مسائل «بدعت»، تصوف و نقل و دفن اموات در عتبات مقدسه» تشریح می‌کند و سپس به مسئله اصلاح شعارهای عاشورا در اندیشه شیعی آن زمان در شامات، عراق و ایران می‌پردازد. طلیعه‌داران اصلاح در این زمینه‌ها مانند سیدمحسن امین، موسی شراره و برخی علمای دین در عراق و ایران و عکس‌العمل روحانیت و مرجعیت شیعه در قبال طرح مسئله اصلاحات و چالش‌ها و دشواری‌های راه و همچنین تأثیر و تأثر تشیع عربی از فارسی (ایرانی) در زمینه آیین‌ها، مناسک و شعائر عاشورا از جمله مهم‌ترین مطالبی است که در این فصل بررسی شده است.

از مظلوم، هدایت مردم، تبیین احکام و مانند آن، سیطره و نفوذ معنوی و روحی عالمان دین و کنکاشی از تصویر این طبقه در ذهن و ضمیر مردمان، مجموعه مطالب و موضوعات این فصل است. در انتهای این فصل تصاویر مهمی از عالمان دین، حوادث، شخصیت‌های برجسته جبل عامل و اماکن گوناگون آمده است. برخی از این تصاویر منحصر به فرد و دارای ارزش تاریخی است. چهارمین فصل کتاب، «کیف وصل الاصلاح الی جبل عامل» (چگونگی راه‌یابی [جنبش] اصلاح طلبی به جبل عامل)، به چگونگی نفوذ و راه یافتن اندیشه‌های اصلاح طلبی به این منطقه پرداخته است. برخی از موضوعات این فصل چنین است: مبانی نظری اصلاح طلبی و سیر تطور آن در جهان اهل سنت و زمینه‌ها و بسترهای آن در میان شیعیان؛ چگونگی تعامل عالمان شیعی با این جنبش در جبل عامل و نجف؛ تأثیر علمای ایرانی و همچنین مشروطیت بر تحولات علمی اجتماعی شامات؛ اصلاحات عثمانی و پیامدهای آن در بین علمای جبل عامل؛ نقش روزنامه‌ها و نشر کتاب‌های مختلف؛ مجله عرفان و نقش پیشرو آن در سمت و سو بخشیدن به اندیشه‌های اصلاحی شیعی در جبل عامل.

فصل پنجم، «التعلیم - التریب - الاعداد»، در چهار بخش فراهم آمده است. اصلاح و اصلاح طلبی در عرصه تعلیم و تربیت نوباوگان شیعه و اقدامات مرحوم سیدمحسن امین در زمینه تأسیس مدارس جدید در دمشق، و اصلاح مدارس در صورت توسط مرحوم سیدعبدالحسین شرف‌الدین و مرحوم حبیب ال ابراهیم در بعلبک و اقدامات انجمن علمای جبل عامل در زمینه‌های تعلیم و تربیت مطالب بخش اول را تشکیل می‌دهد. روابط و مناسبات تعلیمی و تربیتی علمای دین و جامعه شیعی جبل عامل و سازوکارها و عوامل مختلفی که در این باب دخیل بودند بخش بعدی را تشکیل می‌دهد. اصلاحات و اندیشه‌های اصلاح طلبانه در حوزه زبان و ادبیات عرب، کارآمد و امروزی کردن آن در پاسخ‌گویی به تحولات عصر موضوع بخش سوم و اصلاح و اصلاح طلبی در نجف و اندیشه‌های مرحوم سیدمحسن امین و مرحوم محسن شراره در این زمینه و چالش‌ها و دشواری‌های اندیشه اصلاحی در حوزه علمیه نجف، پایان بخش مطالب فصل پنجم است.

«التقريب بين مذاهب الاسلام» فصل هفتم کتاب را تشکیل می‌دهد که ریشه‌ها، اصول، عملکرد و نتایج اندیشه تقریب و تفاهم بین تشیع و تسنن را بررسی می‌کند، گفت‌وگوها، مناظرات، رسائل متبادله، نوشته‌ها و کتاب‌هایی که در این زمینه له یا علیه مسئله تقریب در آن برهه معین عرضه و ارائه شده به تفصیل بررسی و تحلیل شده است.

هشتمین فصل کتاب به مبارزات ملی‌گرایانه در منطقه جبل عامل اختصاص یافته که ایام حاکمیت عثمانی‌ها و سپس دوران قیمومت و اشغال نظامی منطقه توسط فرانسوی‌ها را در برمی‌گیرد.

فرجامین فصل کتاب، «من التأكيد على الهوية الشيعية الى تشكيل الطائفة السياسية»، تحولات داخلی شیعیان را در عرصه‌های سیاسی اجتماعی در جامعه طایفه‌ای لبنان بحث و تحلیل کرده است. ضمایمی نیز به کتاب ملحق شده که چنین است: شرح حال شخصیت‌های برجسته جبل عامل (عالمان دین، ادیبان و صاحب‌منصبان)؛ شجره‌نامه خاندان شرف‌الدین و صدر؛ ائمه (ع) و بقاع متبرکه که آنان؛ تاریخ شمار رویدادها و حوادث مهم منطقه شامات؛ فهرست مصاحبه و گفت‌وگو با شخصیت‌های مهم که اطلاعاتی در اختیار مؤلف قرار داده‌اند؛ فرهنگ اصطلاحات به کار رفته در کتاب.

نکته قابل توجه در این پژوهش کثرت و تنوع مصادر و منابع است که مؤلف در پژوهش خود از ۸۱۶ منبع بهره گرفته که فهرست آنها در ۷۲ صفحه آمده است. این منابع و مصادر را می‌توان چنین تفکیک کرد: ۲۹۵ اثر چاپ شده به زبان عربی، ۵۷ اثر چاپ نشده به زبان عربی و لاتین، ۴۹ سند از بایگانی وزارت خارجه فرانسه، ۴۱۵ اثر چاپ شده به زبان انگلیسی و فرانسه. اینک ترجمه مقدمه کتاب را که چگونگی پژوهش این اثر را ترسیم می‌کند مرور می‌نماییم.

جنبش اصلاحی اهل سنت در مرحله پیدایش خود، محل توجه و اهتمام مستشرقان و پژوهندگان جهان عرب واقع نشد، چرا که ادبیات این جنبش، حتی آن بخشی که در بالاترین سطح علمی نوشته شده بود به شیوه تألیفات کهن فکر و فرهنگ اسلامی و نوشته‌های ادبی و شعری نبود.

از آنجا که دایره عنایت و اهتمام مستشرقان عمدتاً مصروف به میراث کهن عربی اسلامی بود مسائل و موضوعات جدیدی که اصلاح‌طلبان سنی مطرح می‌ساختند توجه آنان را به خود معطوف نمود. آنان این گونه مسائل را ساده ارزیابی می‌کردند و از کنار آن به سادگی می‌گذشتند و هیچ‌گاه پیگیر تحولات و فراز و نشیب‌های آن نشده و آن را در جایگاه موضوعی شایسته پژوهش علمی ارزشگذاری نکردند. در این میان باید «هنری لاووست» را

استثنا کنیم؛ دانشوری که در معرض گفت‌وگوها و مناظره‌هایی قرار گرفت و عهده‌دار ثبت و تحلیل تحولات جنبش اصلاح در میان اهل سنت بود. مقاله او، پیرامون «سلفیه» که در ۱۹۳۲ منتشر ساخت و هنوز هم سودمند و قابل استفاده است گواه این موضوع است.^۱ برخی از شاگردان وی، راه و روش او را در این موضوع پی گرفتند که در رأس آنان می‌توان از ژیلبر دولانو یاد کرد که طرح تحقیقاتی «مسلمانان اخلاقی و سیاسی مصر در قرن نوزدهم ۱۷۹۷-۱۸۸۲» را به انجام رساند.^۲ از آن پس بود که پژوهشگران اروپایی و آمریکایی به تدریج به نتایج مثبت ثبت و ضبط رویدادهای جنبش اصلاحی و ارزش شایان آن پی برده و دریافتند که تا چه اندازه فهم تحلیل این تحولات در توضیح و تشریح مسائل و موضوعاتی که اسلام معاصر مطرح می‌کند نقش و دخالت دارد.

با وجود این، بررسی تحولات و دگرگونی‌های نظری و اجتماعی که به جنبش اصلاحی اهل سنت مربوط می‌شود همچنان در حد اجمال باقی ماند و به حد مطلوب نرسید. با این فرض، نسبت به جنبش اصلاحی شیعه چه می‌توان گفت؟ در حالی که پژوهش‌ها در این حوزه همواره در گام اول بوده است، فضل تقدم در پرداختن به حرکت اصلاح در میان شیعیان عرب زبان از آن «ورنر آند» است. وی شاگردانش را نیز به این حوزه مطالعاتی سوق داد. پیش از او اهتمام به جریانات و جنبش‌های اصلاح شیعی - یا به تعبیر خاورشناسان انگلیسی یا آلمانی زبان جنبش عصری سازی - بسیار اندک بود که علل چنین رویکردی را تحلیل خواهیم کرد. البته پیش از پرداختن به آن باید به این نکته اشاره کرد که بحث و بررسی‌ها در تاریخ معاصر، پیرامون جنبش اصلاحی در میان اهل سنت به جهان عرب منحصر شده بود، چنانکه پژوهش پیرامون حرکت اصلاحی شیعه نیز تنها به ایران محدود می‌شد و در واقع مطالعه و پژوهش درباره شیعیان عرب زبانی تقسیم کار پژوهشگران در حوزه فعالیت‌های علمی شد و پژوهش‌هایی مستقلی درباره شیعیان عرب زبان انجام نگرفت، مگر آنچه اخیراً در نوشته‌های «بیار ژان لویزار» و اسحاق نقاش درباره شیعیان عراق، انعکاس یافته است.

به نظر خاورشناسان، شیعه اثنا عشری [در درون خود] ظرفیت اصلاحی ندارد و این نکته از قبیل تناقض‌های منطقی است. در حال حاضر، مبادی اساسی نزد اصلاح‌طلبان اهل سنت، این است که در اصول، به اسلام سلف صالح بازگشت شود و براساس مفتوح بودن باب اجتهاد عمل گردد و تفسیر جدیدی از اجماع ارائه و خلافت نیز، بازتولید شود. در صورتی که تشیع بر تصور و دیدگاهی متفاوت از دیدگاه اهل سنت، نسبت به زمان، تاریخ و قیام استوار است. از منظر شیعیان، دوران ظهور اسلام دوران طلایی به شمار



مجلس ائمه در تهران

معنا که نه افرادی که تشکیل اجماع داده‌اند و نه خود اجماع، هیچ کدام تضمین‌کننده شرعیت اجماع نیستند بلکه وجود امامی پنهان و مخفی در میان مجمع، تضمین‌کننده شرعیت اجماع از دیدگاه شیعیان است. بنابراین، اجماع در مذهب شیعه ارزشی ندارد مگر اینکه دربردارنده قول امام(ع) باشد. همچنین چیره شدن اصولیون بر اخباریون و ساماندهی مرجعیت شیعه، اثر مهمی در اهمیت بخشیدن به نقش و مکانیت مجتهدین و رویکرد نخه‌گرایانه در سلسله مراتب مناصب دینی از خود به جای نهاد و به کاهش نقش اجماع از نظر مفهومی و منحصر ساختن آن به گروهی از علما انجامید.

۳. و به عنوان آخرین نکته، مذهب شیعی خلافت را به امامت بازمی‌گرداند و مناصبی را که در بالاترین سطح سلسله مراتب دینی وجود دارد خاص مرجعیت و مشروط به آن می‌داند و در همان زمانی که اصلاح طلبان اهل سنت بحث پیرامون خلافت را آغاز کردند، اصلاح طلبان شیعی هم قواعد و اصول نوین مرجعیت را تثبیت و استوار نمودند. این دلایل، کفه ترازوی دیدگاهی را که قائل به نفی ظرفیت اصلاحی در مذهب شیعه می‌شود رجحان می‌بخشد. در هر صورت، اتخاذ این دیدگاه امکان‌پذیر است و نظر «لیونار بیندر» نیز با توجه به اینکه اصطلاح «اصلاح‌طلبی» را

نمی‌آید، چرا که آن دوران، نزد شیعه و از دیدگاه آنان، دورانی نمونه که قابل الگوگیری جهان اسلام باشد نیست. بلکه آن دوران، به لحاظ حضور ائمه [علیهم‌السلام]، در میان پیروان مؤمن خود، دورانی خوب و قابل قبول محسوب می‌شود ولی به لحاظ اینکه ائمه [علیهم‌السلام]، در آن دوره زیر فشار و شکنجه بوده‌اند، دوران نامطلوبی به شمار می‌آید.

افزون بر این، شیعه همه اصحاب پیامبر (ص) را ارج نهاده آنان را تمجید نمی‌نماید و همه آنان را در جایگاه واحدی نمی‌نشانند، حال آنکه اصحاب پیامبر از سلف اولیه‌اند.

۱. اجتهاد در نزد مسلمانان شیعه رویکرد تاریخی متفاوتی را نسبت به آنچه در نزد مسلمانان اهل سنت بود اتخاذ کرده است. زیرا باب اجتهاد را ائمه [علیهم‌السلام] مسدود کردند، آنگاه به تدریج مفتوح شد و پس از مدتی به طور کامل رشد کرد و پس از رشد کامل آن بود که علمای مذهب جعفری اجتهاد را در ابعاد مختلف توسعه داده و در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را گسترش دادند.

۲. درباره اجماع، باید توجه داشت که شیعه امامی آن را از اهل سنت اقتباس کرد ولی معنای متفاوتی به آن بخشید، زیرا خود اجماع [از نظر شیعه] شرعی بودن آن را تضمین نمی‌کند. به این

استثنا می‌کنیم، زیرا شمار خانواده‌های علمای دینی در این منطقه کمتر از منطقه جبل عامل است. گرچه این پژوهش از جهت قلمرو جغرافیایی به منطقه جبل عامل محدود می‌شود، سکونت و فعالیت پنجاه ساله سیدمحسن امین (مجتهد بزرگ اصلاح‌طلب جبل عاملی) در منطقه شیعه‌نشین دمشق، موجب شد تا بارها کار پژوهش و تحقیق را در دمشق دنبال کنیم.

این پژوهش از دهه نهم قرن نوزدهم (۱۸۸۰) آغاز می‌شود. چرا که این دوره اشراف و نوعی احاطه نسبت به آغاز جنبش اصلاحی دارد و در دوران استقلال لبنان در حدود سال ۱۹۴۳ پایان می‌یابد. البته از این پس، جریان جنبش اصلاح‌طلبی به روش‌های گوناگون استمرار یافته است. این دوران از دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی سرشار بود و با فشار رو به افزایشی که اروپا [بر منطقه] وارد می‌ساخت، فشاری که به اشغال نظامی و پس از آن، به موجب قیمومتی که جامعه ملل به فرانسه [نسبت به سوریه و لبنان] واگذار کرده بود، به تحت‌الحمایگی این کشور منجر شد.

احوال و آثار بزرگان علم و دین مانند عالمان و فقیهان، دانشمندان و اهل ادب این دیار را جداگانه بررسی کرده‌ایم و شرح حال برخی از شخصیت‌های درجه دوم دیگر را هم در پایان کتاب آورده‌ایم. البته بدیهی است که تألیفات و آثار برخی بیشتر و مهم‌تر از برخی دیگر باشد. در هر صورت بررسی و تحلیل تألیفات و آثار عالمان صاحب‌اثر از جمله اهداف اصلی این کتاب است. البته آن دسته از عالمان دینی را که صاحب تألیفات نبوده‌اند نیز مورد توجه و اهتمام قرار داده‌ایم. تلاش ما بر آن بوده است که ارتباطات اجتماعی مربوط به علما و محیط‌های علمی آنان را کاویده و ابعاد مختلف زندگی اجتماعی آنان را تحلیل کنیم. از این رو به چگونگی روابطی که به ازدواج و قربات میان آنان منجر شده پرداختیم و مناسبات آنان را با متنفذین و صاحب‌منصبان مورد بررسی قرار داده و حتی برخی تمایلات، منش و رفتار آنان را در برخی فعالیت‌های روزمره نیز دنبال کرده‌ایم از جمله:

- دیدگاه عالمان دین در تعلیم و تربیت فرزندان و نیز پرورش مؤمنان و طلاب علوم دینی.

- موضع آنان نسبت به علوم بیگانه و جدید و همچنین نسبت به دستاوردهای فن‌آوری جدیدی که از غرب وارد می‌شود.

- آیا نگرش آنان همانند دیدگاه اصلاح‌طلبان اهل سنت است که با وجود اینکه قائل به بازگشت به دوره خلفای راشدین نیستند، با بدعت‌ها مبارزه می‌کنند.

- آنان با مسئله مهم بدعت و بدعت‌گذاران چگونه برخورد می‌کنند. پاسخ این مسئله ما را به تأمل در اساس و مبانی بدعت از منظر شیعیان اثناعشری وامی‌دارد. دقت و تأمل در برخی شعائر، مناسک و آیین‌های رایج در میان شیعیان و ربط و نسبت آن با

درباره اهل سنت مطرح کرده همین است. او بر این باور است که اصلاح در چارچوب مذهب شیعه امکان‌پذیر نیست؛^۲ در حالی که شرایط سیاسی‌ای که به ظهور جنبش اصلاحی اهل سنت انجامید همه کشورهای خاورمیانه را فراگرفته بود. بنابراین سنی و شیعه همراه یکدیگر در معرض انقلابات و فشارهایی بودند که از جانب اروپا وارد می‌شد. در نتیجه، واکنش واحد و مشابه از هر دو جریان بسیار طبیعی است. پژوهش‌های ویژه شیعه اجمالاً نسبت به ایران اهتمام خاصی دارند و تحلیل‌هایی را درباره تحولات شیعی مطرح می‌کنند که تنها مربوط به اوضاع ایران می‌شود. این پژوهش‌ها، عمدتاً در دو جهت اقدام کرده‌اند:

الف - جهت اول به پژوهش نهضت‌های فکری که از اسلام منحرف شده‌اند مربوط می‌شود. البته این که درجه و نوع انحراف این مکتب‌ها (مانند شیخیه، باییه و مانند آن) چه اندازه با یکدیگر متباین و متفاوت است مطرح نیست.

ب - جهت دوم مربوط است به پژوهش درباره جنبش مشروطیت^۳ در ایران که علما و مجتهدان ایرانی در خط مقدم مبارزه قرار داشتند و پس از آنکه در نتیجه برخی از تحقیقات تاریخی، این جنبش تا حدودی شناخته و ویژگی‌های آن تبیین شد، برخی از پژوهشگران به مطالعه عمیق‌تر افکار و اندیشه‌های اصلاحی عالمان دینی که در این جنبش مشارکت داشتند، همت گماشتند که می‌توان آن را با اندیشه‌های مشابه در میان اصلاح‌طلبان اهل سنت مقایسه کرد.

«عبدالهادی حائری» و پس از او «فیسارترن» در کارهای خود درباره جنبش مشروطیت، به برخی از وجوه و ظرفیت‌های اصلاحی موجود از دیدگاه محمد طباطبایی^۴ (۱۸۴۱-۱۹۲۰) اشاره کرده‌اند. «یان ریشارد» به فراتر از این معتقد است، زیرا او ثابت کرده که برخی از عالمان دین ایرانی گرایش و تمایل خود را به اصلاح‌طلبی شبیه اصلاح‌طلبی سلفیه (اهل سنت) اثبات کرده‌اند و این مطلب در خلال بحث او درباره شخصیت «شریعت سنگلجی»^۵ (۱۸۹۰-۱۹۴۴) مطرح شده است.

تلاش ما در اینجا این هدف را دنبال می‌کند که جنبش اصلاح بزرگان دینی شیعه جبل عامل، از اواخر دولت عثمانی تا روی کار آمدن دولت لبنان مستقل را روشن کرده و چشم‌اندازهای این جنبش را وصف و ویژگی‌های آن را تحلیل کنیم.

باتوجه به اینکه این قلمرو جغرافیایی، سرزمینی عالم‌پرور و مهد علمای شیعه امامیه به شمار می‌آید انتخاب این منطقه برای پژوهش و بررسی تا اندازه‌ای طبیعی است؛ برخلاف منطقه جوار آن، منطقه بقاع، که اکثریت ساکنین شیعه در آنجا اقامت دارند. البته منطقه بقاع نیز، مانند منطقه جبل عامل در ۱۹۲۰ به دولت لبنان ضمیمه شد ولی ما آن را از حوزه پژوهش خود

بدعت و خرافه نیز موردنظر بوده است.

- تصور این علما نسبت به نقش سیاسی خود چیست و چگونه این نقش در دوران‌های بحرانی و پراضطراب، ظهور و بروز می‌یابد.

ما در این پژوهش چگونگی موضع‌گیری و رفتار عالمان دین در دوره‌های بحرانی و ناآرام را بر خواهیم رسید و تا آنجا که به حیطة کار ما مربوط می‌شود موضع آنان را نسبت به پان عربیسم و جهان وطنی اسلامی را روشن خواهیم ساخت. به این مسئله نیز خواهیم پرداخت که آیا در میان علمای شیعه، اثری از آنچه در بین اهل سنت به عنوان خلافت و تجدید آن [پس از فروپاشی عثمانی] مطرح می‌شود، وجود دارد؟ و آیا شیوه اجتهاد از دیدگاه آنان ضروری و لازم خواهد بود؟ و به طور کلی اهتمام به پدیده‌های ساماندهی، عقلانیت و روش، یا به تعبیر دیگر چشم‌اندازهای نوگرایی و نوسازی شعائر دینی، در متن این پژوهش و از اهداف کلیدی آن به شمار می‌رود.

مصادر و منابع مورد استفاده در این تحقیق دوگونه‌اند. اول منابع و مصادر درونی که مربوط به جامعه جبل عامل می‌شود و دوم منابعی است بیرونی و از منظر دیگران [اجانب].

در مورد اول ما نوشته‌های دانشمندان، عالمان و ادیبان از کتاب، مقاله و خطابه را مورد توجه و عنایت قرار می‌دهیم. البته سخنان و شهادت‌هایی که در اثنای گفت‌وگو با فرزندان و نزدیکان آنان یا مطلعان به دست آمده نیز به آن ضمیمه می‌شود. اما در مورد منابع دسته دوم باید توجه داشت که افزون بر نقل قول‌ها و روایات مسافران و مأموران اجنبی، بایگانی وزارت خارجه فرانسه نیز به آن اضافه می‌شود و به نظر می‌رسد که این انضمام هنگامی کاملاً اثربخش است که اطلاعات به دست آمده را با یکدیگر مقایسه و تحلیل کنیم. همچنین در منابع خود بررسی‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی درباره جبل عامل را نیز مورد توجه قرار داده‌ایم.

در پایان، باید به این نکته اشاره کرد که بخش مهمی از کارهای انجام شده، ثمره فعالیت علمی پژوهشگران کاردانی است که پس از ۱۹۷۰ پرشمارند؛ یعنی زمانی که «جنوب» [لبنان] دوباره کشف شد؛ (البته اگر تعبیر کشف شدن را در مورد جنوب لبنان صحیح بدانیم.) و ارزش و اهمیت آن به وسیله حرکت امام موسی صدر شناخته شد، اما به هر حال، شرق‌شناسان و تاریخ‌نویسان خاورمیانه معاصر، توجه کافی به این منطقه نکرده‌اند. البته برخی تلاش‌ها، در دوران قیمومت فرانسه، از جانب پژوهشگران آکادمی فرانسه در دمشق صورت گرفت که دستاوردهای آن، به جز در کارهای علمی «روحیه لیسکو»^۷ انعکاس نیافت. پس از آن، برخی دانشگاهیان ایتالیایی نسبت به بررسی تاریخ شیعه در سرزمین شام اهتمام ورزیدند.^۸

پی‌نوشت‌ها:

1. Le reformisme orthodoxe des "salafiya" et Les caracteres generaux de son orientation actuelle', REI, 6/20 (1932). P.175-224.

2. Delanoue, Gillbert, Moralistes et politiques musulmars dans l'Egypte du xixe siecle (1798-1882).

3. W.G. Millward, "Aspect of Modernism in Shi'a Islam". S1,37 (1973). 111-128.

۴. بنگرید به: سیره السید محسن الامین، تحقیق و شرح هیثم

الامین و صابرینا میرقان، بیروت، دارریاض الریس، ۲۰۰۰.

5. Abdul-Hadi Hairi, *shi'ism and constitutionalism in Iran*, E.J Brill, Leiden, 1977, P.131; Vanesse Martin, *Islam And Modernism: The Iranian Revolution of 1906*, J.B. Tauris, London, 1989, chap. 3

6. Yann richard, "shari'at songalaji: Areformist theologian of the rida shah period" in *authority and political culture in shi'ism*, ed. Said amir arjomana, S.U. of NY Press, albany. 1988. P.159-177.

۷. «روحیه لیسکو» گزارشی پیرامون شیعه جنوب [لبنان]

در سال ۱۹۳۶ (CHEAM) تقدیم داشت. «روحیه لیسکو» یک نظامی و نماینده آکادمی فرانسه در دمشق بود. او پس از آن، گزارش دیگری در سال ۱۹۳۷ تهیه و به تأیید «دارشیه» (Darche) رساند. قبل از آن در سال ۱۹۲۹ «ادمون سوسیه» (Edmond Saussey) پژوهشی در صیدا درباره مجله العرفان آماده ساخت. البته نتوانست پژوهش خود را به پایان برساند و کامل کند، زیرا در یک حادثه رانندگی در سال ۱۹۳۷ کشته شد. پس از آن، «هنری لاووست» (Henri Laowst) و «روحیه لیسکو» (Roget Lescot) پژوهشی درباره شیعه در سوریه را آغاز کردند و پرسشنامه‌ای نوشتند که ظاهراً نتیجه‌ای به دست نیامد. بنگرید به:

Renaud Aves, *I' Institut francais de Damas au palais azem (1992-1946) a travers les archives*, IF-EAD, damas, 1993, P.56,P.103, P.233: BEO, IX. (1942-1943), P.163.

۸. در این باره به کارهای تحقیقاتی «مارکوسلاتی»

(Marco salati) مراجعه می‌کنیم.